

پا تند کرد-ده بودیم و به سمت محل مصاحبه می‌رفتیم که یکی از اعضای گروه خبری گفت، این جا چقدر ر رئیس‌جمهور و دست‌به‌دست شدن قدرت به خود دیده‌ا! گفتم خیلی زیاد هم نبوده و آقای پزشکیان نهمین آن هاست؛ اما در این دست‌به‌دست شدن‌ها، درس‌ها، عبرت‌ها و نشانه‌های زیادی است برای صاحبان اندیشه... عقره‌به‌های ساعت حدود ده و نیم صبح را نشان می‌داد که روبه‌روی رئیس‌جمهور منتخب نشستیم و مصاحبه شروع شد. بی‌آلایشی، شاید اولین صفتی باشد که در برخورد با آقای دکتر پزشکیان به چشم می‌آید. مثل سال‌های گذشته و حتی دوران تبلیغات انتخاباتی، این‌جا هم لایه‌لای گفت‌وگو، از فرارهای متناسب قرآن و نهج‌البلاغه استفاده می‌کند. به برخی جزئیات حساس بود، مثلاً مصرف برق در همین ساختمان. چیزی که شاید در این سطح از نظر برخی افراد چندان مهم نباشد و بگویند رئیس‌جمهور کارها و دغدغه‌های مهم تری دارد؛ اما همین جزئیات است که یک کلیت را تشکیل می‌دهد. وقتی از فقر و مشکلات اقتصادی مردم حرف می‌زند، تلخی و ناراحتی را به راحتی می‌توان در چهره و کلامش حس کرد. مصاحبه که تمام شد از رئیس‌جمهور منتخب خواستیم که سال آینده همین‌ایام بار دیگر مصاحبه‌ای با ایشان داشته باشیم. آقای پزشکیان قول داد و با خنده و شوخی گفت حرف‌زدن که کاری ندارد. گفتم البته سال دیگر یک سال از مسئولیت سخت و سنگین ریاست جمهوری گذشته و شاید به این راحتی هم نباشد. آنچه می‌خوانید متن کامل گفت‌وگوی رسانه KHAMENEI, IR با آقای دکتر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور منتخب است که روز پنج‌شنبه ۴ مردادماه ۱۴۰۳ و سه روز پیش از تنفیذ حکم ریاست جمهوری و آغاز به کار رسمی ایشان انجام شده‌است.

■ **آقای دکتر پزشکیان! با توجه به نگاه شما مبنی بر تعامل حداکثری با بخش‌های مختلف کشور برای پیشبرد امور و پیاده‌سازی سیاست‌های کلی نظام و تأکیدی که اخیراً رهبر انقلاب در دیدار با نمایندگان داشتند بر همراهی و تعامل مجلس و دولت برای فرایند تعیین کابینه، جناب عالی چه برنامه‌ای برای اجرایی کردن این همدلی و تعامل سازنده دارید؟**

بسم ... الرَّحْمَن الرَّحِيم. یکی از اصول صراط مستقیم همان وحدت و انسجام مسلمان‌هاست؛ شما به قرآن نگاه کنید: «وَمَنْ يَتَّبِعْهُ يَلْتَهُ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (۱) همان چیزی که هر روز در نماز از خدا می‌خواهیم که به صراط مستقیم هدایت شویم؛ این همان «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (۲) است. شما آیات را که نگاه می‌کنید، همیشه توصیه به این است که مسلمان‌ها وحدت داشته باشند و اختلاف «و كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ» (۳) است؛ یعنی انسان در لبه پرنگاه و آتش است. الان اگر جایی از کشورمان مشکلات و گرفتاری‌هایی دارد، به خاطر اختلافاتی است که به آن دامن می‌زنیم و افزایش می‌دهیم. باید دست از این اختلافات برداریم. ما نماز اقامه می‌کنیم؛ «اقامه نماز» یعنی رفتن به طرف صراط مستقیم، یعنی «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا». برای این که ما بتوانیم در معرفی افراد کابینه به مجلس یک چنین کاری را بکنیم، قدم اول این بود که به تمام جریانات، گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی اعلام کردیم که افراد مورد نظر خودشان را که می‌توانند به دولت کمک بکنند معرفی کنند تا وفاق ملی شکل بگیرد. توسط هر کدام از این‌ها -چه جریانات اصلاح‌طلب، اصولگرا و مستقل، و چه افراد و شخصیت‌های سیاسی - یک فهرست‌هایی ارائه شد و نهایتاً این‌ها دارد پالایش می‌شود تا به یک جمع‌بندی چهارپنچ‌نفره برای هر جایگاه برسد. در آخر، طبیعتاً خدمت مقام معظم رهبری خواهیم رفت و با هماهنگی و مشورت با ایشان به یک جمع‌بندی نهایی خواهیم رسید که این‌ها را بتوانیم معرفی کنیم. به هر حال، این جمع‌بندی‌ای که دارد اتفاق می‌افتد حاصل مجموعه‌ای نظراتی است که از کل جریان‌ها و مدیران سیاسی کشور توانسته‌ایم به دست بیاوریم. حالا این که چقدر موفق بشویم، دیگر باید صبر کنیم ببینیم کار به کجا خواهد رسید؛ چون این یک تجربه جدیدی است.

■ **جناب آقای دکتر پزشکیان! برآوردتان این است که بعد از تنفیذ و تحلیف، تا چه مدتی کابینه را به مجلس معرفی خواهید کرد؟** آن جمع‌بندی‌هایی که گفتم، اگر انجام بشود، هر چه سریع‌تر تلاش خواهیم کرد خدمت رهبر انقلاب برویم و مشورت و هماهنگی‌هایی را که هم آن‌جا انجام بدیم تا نهایتاً فهرستی را که

از جمع‌بندی افراد معرفی‌شده توسط جریانات مختلف به دست آمده، ان شاء... با تفاهم و رضایت کامل بتوانیم معرفی کنیم.

■ **یکی از ویژگی‌های مثبت حضرت عالی که در دوران رقابت‌های انتخاباتی هم این را مردم دیدند، پرهیز از ورود به حواشی و دامن‌زدن به التهاب و آرام کردن فضا بود، به طوری که دیگران را هم از این مسائل نهی می‌کردید. با توجه به شرایط حال حاضر و این که اداره کشور هم نیاز به یک آرامش و پرهیز از التهاب دارد، برنامه و نگاه شما در طول چهار سال پیش‌رو که سکان اجرایی کشور را در دست دارید، برای حفظ این آرامش چیست و چه ملا حفاظتی در این زمینه دارید؟**

ما سیاست‌های کلی مقام معظم رهبری را داریم؛ حتی در این مناظرات و انتخابات هم می‌گفتم این سیاست‌ها چراغ راهنمای مسیر است و هدف ما را مشخص می‌کند. بعد از این، برنامه‌ای است که کارشناسان و غلا و مدیران و مسئولان ما در جهت آن سیاست‌ها باید بنویسند. طبیعتاً اگر ما این را بپذیریم و قانونی بنویسیم که در جهت سیاست‌های نظام باشد و خودمان را مسئول اجرای آن بدانیم و بعد بخوایم در جهت آن حرکت بکنیم، اختلاف و دعوا بی‌معنی است؛ اما اگر من از خودم یک قانونی‌با جهت‌گیری دیگری را تعریف کنم که در جهت آن سیاست‌ها نباشد- حتی اگر این حرف یا جهت‌گیری‌ای که من می‌خواهم ارائه بدهم خوب هم باشد - هر چه مر ج می‌شود. تا زمانی که به یک تصمیم و یک هدف‌گیری نهایی نرسیده باشیم، می‌توانیم سلایق خودمان و افکار خودمان و جهت‌گیری‌های خودمان را داشته باشیم؛ اما وقتی تبدیل به سیاست و قانون شد، اختلاف کردن و زیر میز زدن و نپذیرفتن، چیزی جز هر چه مرج ایجاد می‌کند. من و دولت و همه قوایی که وجود دارند اگر پایبند به آن سیاست‌ها بودیم و برنامه‌هایی که می‌نویسیم در جهت آن سیاست‌ها باشد، اختلاف یا تفرقه و دعوا کردن بی‌معنی است. اگر هم کسی بگوید یک مسیری بهتر از آن مسیر قانونی هست، آن را هم می‌شود با روش‌های علمی بررسی کرد؛ اگر مشاهدات علمی و مستندات مکتوب دانشگاهی و تجربه‌ی مشخص منطقه‌ای در مورد آن پیشنهاد وجود داشته باشد که نشان دهد بهتر و تجربه موفق‌تری است، باید ارائه بشود تا بپذیریم؛ حرف حق را باید پذیرفت. جهت‌گیری کشور باید به سمت هدفی باشد که قرار بود در مملکت موفق بشویم. قرار بود چهل و تبعیض و خلاف را در این مملکت حذف کنیم و یک جامعه‌ی انسانی درست بکنیم. در اقتصاد، قرار بود بهترین باشیم. قرار بود دانشگاه‌های ما الهام‌بخش، نوآور و خلاق باشند. چیزهایی که در سیاست‌های کلی هست، اهداف بسیار باارزشی است. در نتیجه، هم مجلس، هم دولت، هم قوه قضاییه و نهاد های دیگر و سازمان‌های امنیتی، همه باید دست به دست هم بدهیم تا به آن اهداف سیاست‌های کلی برسیم. هر به آن اهداف برسیم، دیگر فقر و بیکاری، جهل و خلاف و زدنی بی‌معنی خواهد شد. وقتی هدفمان روشن است، این دیگر معنی ندارد که ما با هم دعوا کنیم؛ مگر این که شما نظرتان این باشد و بگویید این راه را نرویم و راه دیگری را برویم، که خوب مستند دلیلتان را باید بیاورید که چرا این راه بهتر است؛ آن وقت ما هم می‌پذیریم. اگر بر اساس حرف درست علمی با هم بنشینیم و بحث بکنیم، دیگر اختلاف کردن معنی ندارد. ما در پزشکی یک بحثی داریم با عنوان «Evidence-based medicine»؛ یعنی «طبابت بر اساس شواهد». فرض کنید من یک استاد تمام دانشگاه هستم با ۴۰ سال سابقه و موفق هم باشم؛ در این صورت، روش‌هایی را برای معاینه، عمل یا درمان دارم و اجرا می‌کنم. اگر مستندات و تحقیقاتی که امروز شکل گرفته نشان بدهد یک روش‌هایی بهتر از روش من وجود دارد، آن وقت دیگر من نمی‌توانم بپایم بگویم «نه، من خودم تجربه کرده‌ام، این راه بهتر است». سند و دلایل و تحقیقات نشان می‌دهد این راهی که الان تازه به وجود آمده بهتر از راهی است که من می‌گویم؛ آن وقت دیگر من حق ندارم بگویم «نه، من خودم مثلاً استادم، جزّاحم، تجربه دارم، ۴۰ سال است که دارم این کار را می‌کنم و نتیجه گرفته‌ام؛» دلایل و مستندات و جهانی‌نشان می‌دهد این یکی روش تأثیر گذاتر است، کم‌هزینه‌تر است، با کیفیت‌تر است؛ خوب باید بپذیرم. تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و هدف‌گذاری در مسائل کشور، فقط مینا و ابزار علمی دارد. دلیلی ندارد وقتی حرف حقی آمد، ما نپذیریم. در قرآن آیه‌ای هست که

رئیس‌جمهور منتخب در گفت‌وگوی تفصیلی با رسانه KHAMENEI, IR با بیان این که همدلی، پرهیز از تنش و حفظ آرامش مقدمه حل مسائل کشور است، تأکید کرد

سیاست‌های کلی رهبر انقلاب چراغ راهنمای مسیر است

وقتی تصمیمی تبدیل به سیاست و قانون شد، اختلاف کردن و زیر میز زدن و نپذیرفتن، چیزی جز هر چه مرج ایجاد نمی‌کند



شرح عکس: هدیه رسانه‌ی KHAMENEI, IR به رئیس‌جمهور منتخب پس از انجام گفت‌وگوی تفصیلی؛ قاب عکسی از دکتر پزشکیان در دیدار با رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۳۸۲/۰۹/۱۳

می‌گوید: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَلِكِ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ» (۴) آیات خدا را تکذیب می‌کردند، چون علمش را نداشتند، چون تأویل و تفسیرش را نمی‌دانستند. در گذشته هم آن‌هایی که آیات خدا را تکذیب کردند، همین‌گونه تکذیب کردند. و بعد، جالب است که در این آیه می‌گوید نگاه کن عاقبت ظالمان را که چگونه است؛ در حقیقت، یعنی بین عاقبت نپذیرفتن راه درست و حرف حق را. این که یک روش و یک مسیر حق را که مستندات نشان می‌دهد این راه درست است، من نپذیرم، ظلم است؛ ظلم به جامعه‌ای است که مسئولیتش را به عهده گرفته‌ام. «أَلَمْ يُوَخِّذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقَ الْكِتَابِ أَنْ يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ»؛ از همه‌ی انسان‌ها پیمان گرفته‌اند که جز حق، کار دیگری نکنند، «وَالَّذَارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُتَّقُونَ» (۵)

■ **آقای دکتر پزشکیان! یک اشاره‌ای کردید به از بین بردن فقر. می‌خواهم یک سوالی درباره مسائل اقتصادی ببر یم. شما در دوران رقابت‌های انتخاباتی تأکید زیادی داشتید که حل مسائل و معضلات مردم و کشور اولویت اصلی دولت شما خواهد بود، رهبر انقلاب هم بر این رویکرد مهر تأیید زدند و با آن اعلام همراهی کردند. البته این مسئله قبل از انتخابات هم مورد تأکید رهبر انقلاب بود و بعد از انتخابات و پیروزی حضرت عالی هم مورد تأکید ایشان قرار گرفت. ایشان بعضی شاخص‌ها و معیارها را عنوان کردند و در دیدار نمایندگان مجلس هم در نکته هشتمی که معظم‌له درباره معیارهای افراد کابینه فرمودند، از این عبارت استفاده کردند که چه کسی می‌خواهد میدان‌دار شود و میدان‌های اقتصادی، فرهنگی و مانند آن را به دست بگیرد. برای نیل به این هدف و تشکیل یک دولت کارآمد برای حل مشکلات و مسائل مردم، شما چطور می‌خواهید این معیارها و این نگاه را در کابینه و دولت خودتان پیاده‌سازی بفرمایید؟**

مشکل ما الان در کشور این است که بر اساس ارتباطات دوستی و رفاقت و یا شاخص‌های ذهنی خودمان افراد را انتخاب می‌کنیم، ولی از نظر علمی شاخص‌هایی وجود دارد که شاید در ذهن ما نگنجد. ما گفتیم اسانید مدیریت دانشگاهی یک سری شاخص‌هایی را

را در نظر بگیر، چون اگر خیلی بخوای در آن دقیق و ریز بین بشوی، مصداقش را پیدا نخواهی کرد؛ اگر بخوای عدل را مثل علی اجرا کنی، نمی‌توانی. لذا توصیه می‌کنند که شما بروید دنبال «اعْمُهَا فِي الْعَدْلِ وَ اجْمَعْهَا لِرِضَى الرِّعِيَّةِ»؛ یعنی کاری که رضایت اکثریت در آن باشد. اگر بخواهید حساسیت به خرج بدهید، آدم معصوم پیدا نمی‌کنید.

سیاست‌های کلی رهبر انقلاب چراغ راهنمای مسیر است

وقتی تصمیمی تبدیل به سیاست و قانون شد، اختلاف کردن و زیر میز زدن و نپذیرفتن، چیزی جز هر چه مرج ایجاد نمی‌کند

را در نظر بگیر، چون اگر خیلی بخوای در آن دقیق و ریز بین بشوی، مصداقش را پیدا نخواهی کرد؛ اگر بخوای عدل را مثل علی اجرا کنی، نمی‌توانی. لذا توصیه می‌کنند که شما بروید دنبال «اعْمُهَا فِي الْعَدْلِ وَ اجْمَعْهَا لِرِضَى الرِّعِيَّةِ»؛ یعنی کاری که رضایت اکثریت در آن باشد. اگر بخواهید حساسیت به خرج بدهید، آدم معصوم پیدا نمی‌کنید.

■ **امروز مسئله اقتصاد و معیشت در صدر مسائل اصلی کشور و مردم است. شما و تیم اقتصادی شما برای این که فشار معیشتی را از روی مردم تا حدی کم کنید و وضعیت سفره‌ی خانوار ایرانی را بهبود دهید، چه اولویت‌ها و برنامه‌های اصلی و فوری و میان‌مدتی را در نظر دارید؟**

ببینید! من نسخه فوری برای یک چنین چیزی ندارم. حالا باید بنشینیم با کارشناس‌ها صحبت کنیم. آنچه فوری و ضروری است، اول رفع اختلافات، دست به دست هم دادن و با هم پیش رفتن است. در هر حرکتی که داریم، اگر اهدافی قدرتمندی مقابل هم قرار بگیرند، یعنی هیچ حرکتی نمی‌کنیم. اگر شما بخواهید حرکت کنید و من جلوی شما را بگیرم، من بخوام هر حرکت کنم و شما جلوی من را بگیرید، هر چقدر این اختلافات بیشتر باشد، ناسامانی و هر چه مرج خیلی بیشتر خواهد بود. در نتیجه، برای اینکه بتوانیم راه‌حل‌های علمی حل مشکلات اجرائی را پیدا کنیم، اول باید در درون خودمان وحدت و انسجام ایجاد کنیم؛ باید زبان و نگاه مشترکی برای حل معضلات، بین کارشناسان، متخصصین، سیاست‌گذاران، قانون‌نویسان، فرهنگیان و عالمان کشور داشته باشیم. کافی است با هم هماهنگ نباشید؛ در این صورت، هر روشی را بخواهید اجرا کنید دیگران ممکن است برایتان مشکل ایجاد کنند. مادر کشور ناترازی انرژی داریم و در حال حاضر برای خرید بنزین، ۸ میلیارد دلار پول می‌دهیم؛ یعنی بنزین را مثلاً حدوداً ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان می‌خریم، بعد ۱۵۰۰ تومان می‌فروشیم! خوب تا کجا می‌توانیم این کار را بکنیم؟ مثال دیگر مصرف برق است. ما به اندازه کل اروپا مصرف انرژی، برق و امثال آن را داریم؛ این از نظر علمی کار درستی نیست. من به دوستان خودمان می‌گویم چرا همه چراغ‌های این جا را روشن می‌کنید یا چرا کولرها را طوری تنظیم می‌کنید که محیط را خیلی خنک کنید. از آن طرف نمی‌توانیم به کارخانه‌هایمان برق بدهیم و از این طرف هر طوری که دلمان می‌خواهد، از برق، گاز و سایر منابع انرژی استفاده می‌کنیم. پس باید اول رفتار خودمان را در رابطه با این نترازی‌هایی که در کشور ایجاد شده اصلاح کنیم. این با همدلی و هماهنگی امکان‌پذیر است. باید بپذیریم اگر برق، گاز، نفت، سوخت و سایر منابع انرژی را همین‌طور بدون حساب و کتاب هدر بدهیم، به ضرر همه‌ی ما است.

■ **پس طبق آنچه شما می‌گویید، برای حل ناهماهنگی‌ها، تنش و التهاب خط قرمز دولتتان است.**

اگر ما با هم هماهنگ باشیم و بپذیریم، به همدیگر کمک می‌کنیم. من اول خودمان را گفتم که مقدار برق و گازی که این جا مصرف می‌کنیم استاندارد نیست.

■ **یکی از همکاران شما گفتند چراغ‌های هالوژن این سالن، امروز برای اولین بار روشن شده‌است.**

بله، برای این که محیط این‌جا نور دارد. گاهی شما می‌بینید در یک سالن کنفرانس، دو نفر آدم می‌نشینند، با روشنایی کامل برق و سیستم سرمایشی یا گرمایشی کار می‌کنند! آن‌ها باید از خودشان بپرسند چرا این کار را می‌کنند. این کار از نظر علمی، اقتصادی، مدیریتی، وضعیت کشور و مملکت، غلط است. وقتی مشکل انرژی و اقتصادی داریم، نمی‌شود این‌جا با خیال راحت از برق و گاز استفاده کنیم. برای این که بتوانیم به مردم خدمت کنیم، اول باید دست به دست هم بدهیم. شعر سعدی بسیار زیبا است:

بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

تو کر محنت دیگران بی‌غمی نشاید که نامت نهدید آدمی

همه‌ما در این کشور زندگی می‌کنیم و خیلی‌ها امروز در سختی هستند. من این‌جا باید مراعات بکنم تا حداقل یک سهمی هم از منابع به آن‌ها برسد. این چیزی است که باید بپذیریم، دست به دست هم بدهیم و گذاریم کسانی که در کشور مازندگی می‌کنند در سختی باشند.

■ **درست است که طی سالیان اخیر، اقتصاد مسئله اول کشور بوده و ذهن مدیران، سیاست‌گذاران و مردم کشور را به خود مشغول کرده‌است؛ اما در کنار مسائل مهم اقتصادی، مسئله فرهنگ هم اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد و رهبر انقلاب در سال‌های اخیر، در کنار اقتصاد، بر مسئله فرهنگ نیز تأکید داشته‌اند. برای آخرین سؤال می‌خواهیم بدانیم با تمام مسائل و فوریت‌های کشور از قبیل اقتصاد، اولویت‌ها و جهت‌گیری دولت خودتان در حوزه فرهنگ را چگونه تعریف می‌کنید؟**

ببینید! اصلاً مشکل فرهنگ، ما هستیم؛ ما‌ها که داریم فرهنگ را تبلیغ می‌کنیم. «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلَيْكِنْ تَأْدِيبُهُ بَسِيرَتُهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ» (۷) من به عنوان مدیر، کارشناس یا مسئول دینی، وقتی می‌خواهم رفتار، اخلاق و صفتی از انسانیت را به کسی بیاموزم، اول باید انسانیت و اخلاق در وجود خودم نهاده شده باشد. یک آدم بداخلاق نمی‌تواند به یک فرد دیگر بگوید تو چرا این‌طور هستی؟ آدمی که در خم در دلتش نیست، نمی‌تواند به دیگری بگوید رحم داشته باش. ما نماز که می‌خوانیم، می‌گوییم: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» الحمد لله رَبِّ الْعَالَمِينَ» الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (۸) این عبارات را هر روز در نماز تکرار می‌کنیم، ولی رحم و مروت در وجود ما نهاده نیست، بر خورد ما با دیگر مقابل بر اساس نگاه صحیح نیست. در نتیجه، اگر قرار است فرهنگ درست شود، باید از خودمان شروع کنیم. خداوند در قرآن به رسول... (صلی... علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «فَمَا رَحِمَةً مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ ظَفَا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَأَفَضَّوْا مِنْ حَوْلِكَ» (۹) این حرف امثال من نیست، کلام خداوند است و شک و شبهه‌ای در آن نیست؛ وحی است. خداوند به رسولش می‌فرماید اگر بداخلاق بودی، کسی اطراف تو جمع نمی‌شد. دیگر حرف ما که جایگاهش مشخص است؛ آن وقت دستور می‌دهیم و با بداخلاق‌ی آن را ارائه می‌دهیم! خوب مردم این را از ما نمی‌پذیرند. اول معلوم نیست حرفی که من می‌زنم درست است یا غلط؛ ثانیا وقتی قرآن می‌فرماید «ادْعَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، (۱۰) پس چرا روش ما به گونه‌ای است که طرف مقابل از رفتارمان متنفر می‌شود؟ «وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَ لَا السُّيئَةُ ادْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَأَذا الَّذِي يَبْئُكَ وَ يَبْئُهُ عَادَاةَ كَاَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» (۱۱) خوبی و بدی مثل هم نیست؛ پاسخ بدی را با بدی نمی‌دهند؛ می‌گوید بدی‌ها را با خوبی جواب بدهید؛ با آدمی که با شما دشمن است، «ولئى حميم» باشد، انگار که او دوست نزدیک و صمیمی شما است. پس در مسئله‌ی فرهنگ، اول باید خودمان را درست کنیم. لازم نیست به دیگران خرده بگیریم؛ اول به خودمان خرده بگیریم. اگر من آدم درستی باشم و اخلاق درستی داشته باشم، اگر دلسوز مردم باشم و مردم این را بفهمند که من دلسوز آن‌ها هستم، دیگر امکان ندارد مردم من را دوست نداشته باشند و از اخلاق و رفتار من الگو نگیرند؛ ولی رفتار و برخورد ما به گونه‌ای است که وقتی مردم آن را نگاه می‌کنند، بدشان می‌آید. آن وقت چرا می‌مثل ما بشوند؟ چرا خودشان را شبیه ما بکنند؟ در نتیجه، در رابطه با فرهنگ، بیشتر باید به خودمان برسیم تا اینکه به دیگران خرده بگیریم. «ذَوَاوُك فَيَكُ وَ مَا تَشْعُرُ وَ ذَاوُك مِنكُ وَ مَا تُبْصِرُ» (۱۲) درد خودمانیم، درمان هم خودمانیم.

■ **آقای دکتر! اگر اجازه بدهید، من چند کلمه می‌گویم و شما اولین چیزهایی که به ذهنتان می‌رسد بفرمایید.**

■ **پرچم؛** ایران.

■ **مردم؛** وفاق.

■ **قاسم سلیمانی؛** افتخار، آزادی و غیرت ایرانی.

■ **خیلی ممنونم آقای دکتر.** موفق باشید.

۱- سوره آل عمران، بخشی از آیه ۱۰۱

۲- همان، بخشی از آیه ۱۰۳

۳- همان

۴- سوره یونس، آیه ۳۹

۵- سوره اعراف، بخشی از آیه ۱۶۹

۶- نهج‌البلاغه، نامه ۵۳ (عهدنامه مالک اشتر)

۷- نهج‌البلاغه، حکمت ۷۳

۸- سوره فاتحه، آیات ۱ تا ۳

۹- سوره آل عمران، بخشی از آیه ۱۵۹

۱۰- سوره نحل، بخشی از آیه ۱۲۵

۱۱- سوره بقره، آیه ۳۴

۱۲- وافی، ج ۲، ص ۳۱۹